



هادی خانیکی

"رویای ایرانی؛ آرمان یا واقعیت؟"

سیرت و صورت هر جست‌وجو و تکاپوی سیاسی، چه در سطح نخبگان و چه در سطح عامه، ضروری و سودمند است.

برای نیل به این فهم در سطح خرد، ایرانی‌ها به عنوان افراد موضوع مطالعه قرار می‌گیرند ولی در سطوح کلان، شناخت "جامعه ایرانی" مدنظر است و الگوهایی که بتوانند تغییرات آن را بهتر تفسیر کنند. "جامعه در حال گذار"، "جامعه توده‌ای"، "جامعه نفتی"، "جامعه کوتاه‌مدت"، "جامعه دینی" و "جامعه مدرن بدقواره" گونه‌هایی از این سنخ‌شناسی‌های کلان‌اند که می‌خواهند در متن طبقه‌بندی‌های خود مسائله یا مسائل بنیادین جامعه ایران را توصیف و تفسیر کنند. پس ایرانیان را در درون ساختی به نام "جامعه ایرانی" که جامعه‌های دستخوش تغییرات پرحامنه است به‌تر می‌توان شناخت.

۳. متفکران و محققان در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی، از سال‌های دور و نزدیک به شناخت دگرگونی‌های جامعه دیروز و امروز ایران و کشف مولفه‌های اصلی آن‌ها اهتمام فراوانی داشته‌اند، در این میان شاید پی‌گرفتن رویکردهای علمی که سر از برنامه‌های رسمی توسعه درآوردند امکان مطالعه تطبیقی را بیشتر فراهم کند.

الف) در آستانه انقلاب اسلامی، یعنی همان ایامی که فوکو توصیه می‌کند "روشنفکران- خبرنگاران" دگرگونی‌های اجتماعی ایران را در متن تحول در اندیشه‌ها و خواست‌ها دنبال کنند، برنامه ششم توسعه مسائل جامعه ایران را در پرتو مطالعاتی که اندیشمندان و پژوهشگران علوم اجتماعی به انجام رسانیده بودند، در قالب "جامعه‌ای در حال گذار" طبقه‌بندی کرده است.

در یکی از آخرین تحقیقاتی که به همین منظور از سوی پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، در ماه‌های پایانی نظام سیاسی پیشین (۱۳۵۷) صورت گرفت، موقعیت گذار جامعه ایرانی که با در هم تنیدگی، همزمانی و فشردگی تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ارتباطی توأم بود، چنین دسته‌بندی شده است:

- شرایط اقتصادی: گذار از اقتصاد خودبسنده روستایی و کشاورزی به اقتصاد پولی مبادله صنعتی.
- شرایط سیاسی: گذار نظام سیاسی خودکامه به نظم سیاسی دموکراتیک و مشارکت مبتنی بر قانون و دیوان‌سالاری برای اتخاذ سیاست و تصمیم در یک سازمان پیچیده سیاسی.
- شرایط اجتماعی: گذار از یک جامعه بسته و متحجر مبتنی بر سلسله مراتب (ایل و عشیره، منزلت، طبقه) به یک نظام طبقاتی باز و متحرک.
- شرایط ارتباطی: گذار از نظام ارتباطی شفاهی رودررو و محدود به نظام ارتباطی گسترده چند رسانه‌ای.
- شرایط فرهنگی: گذار از نظام فرهنگی بسته و جزمی به فرهنگ

۱. وقتی رتیزولی، ناشر ایتالیایی، در ماه مه ۱۹۷۸ میشل فوکو، متفکر نامدار فرانسوی را به همکاری مستمر با روزنامه کوریه ره دل‌اسرا دعوت کرد فوکو پیشنهاد کرد گروهی به عنوان روشنفکر- خبرنگار تشکیل شود و این گروه، حوادثی را که با پیدایش و مرگ اندیشه‌ها بیوند دارند گزارش کند. فوکو خود در این کار پیشقدم شد و ایران را برگزید که دستخوش انقلابی بزرگ بود. او مطالب فراوانی درباره ایران و فرهنگ ایران خواند و با بسیاری از صاحب‌نظران در این باره گفت‌وگو کرد. در اوج رخدادهای انقلاب اسلامی، دو بار، اول بار در ۲۵ شهریور ۱۳۵۷ و بار دیگر در ۱۸ آبان همان سال به ایران آمد و تا پیروزی انقلاب اسلامی، بر اساس دیده‌ها، شنیده‌ها و یافته‌هایش، هشت مقاله نوشت؛ ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند؟ از مشهورترین این مقاله‌هاست. "رویای ایرانی‌ها" به تعبیر فوکو "جست‌وجوی معنوی سیاسی" است که یک سرش در سپیده‌دم تاریخ و سر دیگر آن پیش پای حوادث روزمره است. به نظر او این "خواست سیاسی" در گرمگاه انقلاب جلوه‌ای دو وجهی داشت: نخست این که ایرانیان به حرکتی می‌اندیشیدند که به نهادهای سنتی جامعه اسلامی در زندگی سیاسی نقش دائمی دهد و هزاران اجاق سیاسی را برای مقاومت در برابر رژیم شاه همچنان روشن و گرم نگاه دارد و دیگر آن که به جنبشی می‌اندیشیدند که از راه آن بتوان عنصری معنوی را داخل زندگی سیاسی کرد و کاری کرد که این زندگی سیاسی مثل همیشه سد راه معنویت نباشد بلکه به پرورشگاه و جلوه‌گاه و خمیرمایه آن تبدیل شود.

فوکو پیرامون این "خواست سیاسی" که دست‌اندرکار خلق رخدادهایی نو و پی‌درپی است به "تاریخ ایران" و "زندگی روزانه ایرانیان" بازمی‌گردد و می‌پرسد آیا این خواست سیاسی دو وجهی را باید نشانه‌اشتی دانست، یا چیزی متناقض یا آستانه امری نو؟. به نظر او برای مردمی که روی این خاک زندگی می‌کنند، "جست‌وجوی معنویت سیاسی" با همه دشواری‌هایش، محصولی نو از یک تکاپوی تاریخی قدیمی است.

۲. جامعه ایرانی جامعه‌ای پویا و تحول‌خواه است که برای دستیابی به خواسته‌های دیرین و دگرگونی‌های عمیق، طی یکصد سال اخیر، دو انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵) و انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) را پشت سر نهاده است. علاوه بر آن‌ها، جنبش‌های پرحامنه سیاسی نظیر نهضت ملی شدن نفت (۱۳۳۲)، قیام ۱۵ خرداد (۱۳۴۲) و جنبش اصلاحات (۱۳۷۶) را در صورت‌ها و قالب‌های متفاوتی به انجام رسانیده و اکنون نیز در تکاپوهای مدنی و اجتماعی، افق‌های تازه‌ای گشوده است. اندیشه پیشرفت و کسب استقلال و آزادی که طی دو سده گذشته، مبارزات گوناگون و پر فراز و نشیبی را در سطح ملی شکل داده، در سه دهه اخیر با تجربه جمهوری اسلامی، وارد مرحله نوینی شده است. شناخت زمینه‌های اجتماعی این تحول برای فهم